

نقش صنعت نفت و گاز در تحدید حقوق مردم بومی نسبت به زمین‌ها و دارایی‌های فرهنگی

جعفر نوری^{۱*}، زهره تیموری^۲

چکیده

امروزه با گسترش فزاینده تقاضای جهانی برای انرژی، منابع انرژی مانند نفت و گاز اهمیت بسزایی یافته‌اند. اما دستیابی به این منابع مهم، مستلزم استفاده از زمین‌ها و دارایی‌های مردمی است که در محدوده این منابع زندگی می‌کنند. این مردم شرایط ویژه‌ای دارند، که آنان را در گروه متمایزی از مردم قرار می‌دهد و باید مورد توجه قرار گیرند. تعلقات مذهبی، سنتی، امرار معاش و مانند آن از مواردی است که این زمین‌ها را برای این مردم بومی بسیار مهم می‌گرداند و ارتباطات آنان را محکم‌تر می‌سازد. اینکه ورود صنعت به قلمرو این مردم بومی چگونه باید صورت گیرد و آیا این مردم می‌توانند نقشی در انتخاب این پروژه‌ها داشته باشند یا خیر، پرسشی است که در پی پاسخ آنیم. الزاماتی که حقوق بین‌الملل برای حفظ حقوق بومیان تعیین کرده، الزام به اخذ رضایت و مشورت از بومیان است که مسئولیت دولت‌ها را در پی دارد.

کلیدواژگان

حقوق مردم بومی، دارایی‌های فرهنگی و سنتی، زمین‌ها و دارایی‌ها، صنعت نفت و گاز.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Email: jafarnory@ut.ac.ir

۲. کارشناسی‌ارشد حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: z.taimoori@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

مقدمه

ارتباط صنعت نفت و گاز و مردم بومی در چند دهه اخیر به دلیل افزایش تقاضا برای نفت گاز و انجام اکتشافات گسترده در زمین‌ها و قلمروهای مردم بومی به طرز چشمگیری گسترش پیدا کرده است. اگرچه شرکت‌های نفتی برای انجام فعالیت‌های خود ملزم به در نظر گرفتن افراد متأثر از بهره‌برداری‌های نفتی‌اند، مردم بومی ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دارند که آنان را متمایز می‌گرداند. از این رو، مردم بومی مورد نظر این مقاله نباید با مردم بومی یک منطقه نفت خیز در داخل یک کشور یکسان انگاشته شود، گو اینکه در مورد قشر اخیر نیز امتیازهای خاصی از سوی مقنن و مقامات ملی از جمله در کشور ما اختصاص یافته باشد که در این صورت آن هم می‌تواند در نوع خود موضوع مطالعه رشته دیگر یا حداقل تحقیق دیگری قرار گیرد، زیرا منظور ما از مردم بومی شامل تمام اتباع یک کشور نفت خیز در برابر بیگانگان و استعمارگران خارجی است که به هر ترتیب وارد کشور شده و به جای تخصیص منابع زیرزمینی به مردم بومی، از آن منابع برای مقاصد شخصی یا سیاسی و اقتصادی خودشان بهره‌برداری می‌کنند و مردمان بومی را از آن محروم می‌گردانند که در این صورت اغلب مشمول حقوق بین‌الملل عمومی بوده و در این مقاله هم صرفاً از این نظر مطالعه شده است. بنابراین، به منظور بررسی حقوق مردمان بومی در این مقاله فقط از رویکرد حقوق بین‌الملل استفاده شده تا حقوق و مزایای خاصی که در اسناد بین‌المللی^۱ برای آنها در نظر گرفته شده شناسایی و در سطح داخلی معرفی شود، زیرا مردم بومی در حقوق بین‌الملل دارای حقوق خاص خود بوده و در بسیاری از موارد این دولت‌ها هستند که وظیفه حفظ حقوق مردم بومی را بر عهده دارند. در حقوق بین‌الملل الزامات خاصی برای دولت‌ها و شرکت‌های نفتی تعریف شده است. این الزامات شامل مشورت با مردم بومی تحت تأثیر و اخذ رضایت از آنان برای انجام فعالیت‌های نفتی است که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن خواهیم پرداخت. از سوی دیگر، مردم بومی با ویژگی‌های هویتی خاص، نمادها و مکان‌های سنتی و فرهنگی از سایر مردم متمایز می‌شوند؛ سبک زندگی متفاوت خود را دارند؛ در بیشتر موارد به زمین‌های خود وابسته‌اند و این زمین‌ها، هویت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را تشکیل می‌دهد؛ در طول تاریخ دچار تبعیضات گسترده

۱. این اسناد بین‌المللی ممکن است به تنظیم بعد اقتصادی حقوق مردمان بومی مبادرت ورزیده باشد که طبعاً در این مقاله هم حسب مورد از آن استفاده می‌شود یا این اسناد ممکن است به جنبه‌های سیاسی حقوق مردمان بومی پرداخته باشند و تکالیفی را برای دولت‌ها در نظر بگیرند که آن نیز در جای مناسب خود مورد استناد قرار می‌گیرد. همچنین اسناد بین‌المللی در جای دیگر در مورد ابعاد فرهنگی حقوق بومیان اظهار نظر کرده و مسلماً در این مقاله به آنها نیز استناد شده است. از این رو یکپارچه بودن اسناد بین‌المللی از جهت پرداختن به ابعاد مختلف موضوع مقاله محرز است و نکته دیگری در این خصوص به ذهن متبادر نمی‌شود، مگر اینکه مخاطبان مقاله اعم از داور محترم و خوانندگان عزیز مقصود دیگری داشته باشند.

شده‌اند؛ در نتیجه این مشخصه‌ها می‌تواند مردم بومی را در معرض چالش‌هایی در برابر صنعت نفت و گاز قرار دهد. بنابراین مردم در صنعت نفت و گاز نیازمند توجه و بررسی با دیدگاه تازه‌ای هستند تا زوایای مختلف این چالش‌ها را مشخص گردانند. در این پژوهش علاوه بر بررسی مردم بومی و حقوق آنان به مزایا و معایبی که صنعت نفت و گاز برای بومیان به همراه می‌آورد، پرداخته خواهد شد.

شناسایی مردم بومی و مبانی حقوق آنها

برای شناسایی حقوق بومیان و آنچه این حقوق را شکل می‌دهد، ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهیم که مردم بومی چه کسانی هستند؟ پس از پرداختن به این مفهوم، مآلاً به بررسی حقوق بنیادین آن‌ها بپردازیم.

۱. معیارهای تشخیص بومیان

مردم، جوامع و ملت‌های بومی، گروهی با تداوم تاریخی‌اند که حتی پس از گسترش استعمار و سلطه قدرت‌های دیگر بر قلمروشان این تداوم را حفظ کرده‌اند، اما در حال حاضر جوامع غالب را تشکیل نمی‌دهند و برای حفظ فرهنگ‌ها و سنن و آداب و رسوم و انتقال آن به نسل‌های بعدی خود تلاش می‌کنند. باید توجه شود که واژه مردم بومی از لحاظ مصداقی می‌تواند شامل انواع گوناگون و بسیار گسترده‌ای شود که هر کدام با دیگری تفاوت‌های بسیاری دارند.

برای تشخیص مردم بومی، معیارهای عینی عدی‌ده‌ای به شرح ذیل پیش‌بینی شده است؛ اگرچه نبود برخی از این معیارها لزوماً به معنای بومی نبودن آن جامعه یا مردم نخواهد بود:

- اشغال زمین‌ها و قلمروهای آبا و اجدادی (یا حداقل بخشی از آنها) از زمان‌های قبل از حمله جوامع استعمارگر و معمولاً نوعی ارتباط معنوی بین مردم بومی و زمین‌ها در نظر گرفته می‌شود؛
- اصل و نسب مشترک با ساکنان اولیه و اصلی زمین‌ها؛
- تداوم تاریخی در سکونت و اشغال این زمین‌ها (ممکن است این مردم توسط اشغالگرانی از این زمین‌ها بیرون رانده شوند، اما هنوز ادعای مالکیت این زمین‌ها را دارند)؛
- داشتن فرهنگ، مذهب یا زبان خاص و حفاظت از آنها؛
- داشتن سیستم حکومتی مختص به خود و نهادهای اجتماعی بر پایه قوانین عرفی؛
- حفاظت و توسعه و انتقال فرهنگ و سنن و زمین‌های اجدادی به نسل‌های بعدی

براساس الگوهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی و نظام حقوقی (Lenzerini, Federico: 2008:75-77).

از سوی دیگر این ویژگی‌ها مردم بومی را در معرض چالش‌های توسعه و تأثیرات صنایع نفت و گاز یا سایر صنایع استخراجی در قلمرو آنان قرار می‌دهد. در حقیقت مردم بومی می‌توانند به‌عنوان ذی‌نفعان خاص صنعت نفت و گاز با ویژگی‌های منحصر به فرد مورد توجه باشند (indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA: 5-6).

۲. شناسایی حقوق مردم بومی نسبت به زمین‌ها و دارایی‌های فرهنگی

حقوق مردم بومی امروزه در قوانین و مقررات بسیاری از کشورها و حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. اگرچه حقوق بومیان به حق نسبت به زمین‌ها و دارایی‌هایشان منحصر نمی‌شود، آنچه بیش از همه هنگام انجام پروژه‌های صنعتی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، همین زمین‌ها و دارایی‌هاست؛ صنعت از هر نوعی که باشد، می‌تواند محیط زیست و دارایی‌های فرهنگی مردم بومی را نابود کند. بنابراین در اصل موضوع یعنی تخریب محیط زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم بومی تفاوتی بین صنعت نفت و گاز و دیگر صنایع استخراجی وجود ندارد؛ به طوری که حتی ساخت‌وسازهای گسترده مانند جاده‌سازی نیز می‌تواند چنین آثاری بر زندگی مردم بومی داشته باشد. اما از آنجا که اقتصاد کشورهای نفت‌خیز اغلب به درآمد این صنعت وابسته است و مردم بومی توقع دارند از این موهبت الهی و منبع زیرزمینی به حد کافی بهره‌مند شوند، لیکن درآمد این صنعت در طول تاریخ به انحای مختلف مورد سوءاستفاده بیگانگان سلطه‌طلب واقع شده و به تبع آن مورد توجه مراجع حقوقی و سیاسی بین‌المللی قرار گرفته است، بدون اینکه در حقوق نفت و گاز کشور ما نسبت به آن قانون خاصی وضع شده باشد یا مطالعات علمی گسترده‌ای به منظور تبیین چارچوب حقوقی آن انجام گرفته باشد. از این رو به منظور اقتباس یافته‌های حقوقی بین‌المللی و نهادینه ساختن آنها در حقوق داخلی در این مقاله اساساً به بررسی حقوق مردمان بومی نسبت به این صنعت پرداخته شود. در نتیجه در این بند حقوق مردم بومی در زمینه زمین‌ها و دارایی‌های فرهنگی و سنتی در صنعت نفت و گاز بررسی می‌شود.

۲.۱. دارایی‌های فرهنگی و سنتی

آنچه از حقوق بومیان در صنعت و به‌ویژه صنایع استخراجی مانند نفت و گاز مورد توجه قرار

می‌گیرد، بیشتر مرتبط با دارایی‌ها و زمین‌هایی است که درگیر پروژه‌های صنعتی می‌شود.^۱ اما تعریف دقیقی از اماکن مقدس یا دارایی‌های فرهنگی و سنتی وجود ندارد؛ هر دو آنها ممکن است به‌عنوان منابع فرهنگی یا میراث فرهنگی شناخته شوند و محسوس و غیرمحسوس و شامل موقعیت‌های جغرافیایی باشد. بانک جهانی منابع فرهنگی مادی را به‌عنوان اشیای قابل انتقال یا غیرقابل انتقال، اماکن، ساختارها و ویژگی‌های طبیعی و مناظر که اهمیت باستان‌شناسانه، فسیل‌شناسی، تاریخی، معماری، مذهبی، زیباشناسی یا دیگر موارد فرهنگی داشته باشد، تعریف می‌کند.

اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است که اماکن مقدس را بدون مشورت و همفکری با مردمی که آن را مقدس در نظر می‌گیرند، شناسایی کرد. علاوه بر این اماکن مقدس ممکن است محدودیت در دسترسی یا پروتکل‌های خاصی داشته باشند. در کنوانسیون‌های الزام‌آور بین‌المللی، اعلامیه‌های غیرالزام‌آور و توصیه‌نامه‌ها، حقوق بین‌الملل حق مردم بومی در حفاظت و دسترسی به اماکن مقدس را شناسایی کرده است. اسناد سازمان ملل گسترده‌ترین حمایت از این حق را ارائه می‌کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ سند مؤسس حقوق بشر، التزام جهانی به احترام حقوق بشر را ایجاد می‌کند. اگرچه اعلامیه حقوق بشر به‌وضوح از اماکن مقدس حمایت نمی‌کند، حمایتش از حقوق اموال (ماده ۱۷)، مذهب (ماده ۱۸) و فرهنگ جامعه (ماده ۲۷) پایه و مبنای شناسایی حقوق مردم بومی نسبت به اماکن مقدس را ایجاد کرده است. دو میثاق سازمان ملل حمایت غیرمستقیم از اماکن مقدس بر پایه حق تعیین سرنوشت را ارائه می‌کنند. میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی^۳ و میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی^۴ در ماده ۱ بیان می‌دارند: همه مردم حق تعیین سرنوشت خود و حق رسیدگی آزادانه به ثروت‌ها و منابع طبیعی خود را دارند. میثاق سیاسی مدنی که از عضویت بیشتر کشورهای برخوردار است، از آزادی مذهب (ماده ۱۸) و حقوق اقلیت‌ها در بهره‌مندی از فرهنگ خود، به‌منظور اشاعه و انجام امور مذهبی، یا استفاده از زبان حمایت می‌کند (ماده ۲۷). ماده ۲۷

۱. در بادی امر ممکن است این سؤال به ذهن خواننده خطور کند که صنعت نفت و گاز از حیث حقوق مردم بومی چه تفاوتی با صنایع دیگر دارد و چرا در عنوان مقاله صرفاً به این صنعت اشاره شده است. در پاسخ باید گفت که تمام صنایع به‌نوعی از جهات مختلف ممکن است وجوه اشتراک داشته باشند، کمابینه وجوه افتراقی نیز می‌توان در مورد آنها تصور کرد، اما از آنجا که اقتصاد کشورهای نفت‌خیز عموماً به درآمد این صنعت وابسته است و مردم بومی توقع دارند از این موهبت الهی و منبع زیرزمینی به‌حد کافی بهره‌مند شوند، لیکن درآمد این صنعت در طول تاریخ به‌انحای مختلف مورد سوءاستفاده بیگانگان سلطه‌طلب واقع شده و به‌تبع آن مورد توجه مراجع حقوقی و سیاسی بین‌المللی قرار گرفته است. از این رو به‌منظور اقتباس یافته‌های حقوقی بین‌المللی و نهادینه ساختن آنها در حقوق داخلی در این مقاله حقوق مردمان بومی نسبت به این صنعت بررسی شده است.

2. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR).

3. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

4. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR).

ممکن است به وسیله مجوز دولت برای توسعه در زمین‌های مردم بومی نقض شود. کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی^۱، تبعیض براساس نژاد را ممنوع اعلام می‌کند، و کنوانسیون یونسکو در مورد حراست از میراث فرهنگی ناملموس^۲ از دانش فرهنگی و رویه‌هایی که ممکن است مرتبط با مناظر طبیعی خاص باشند، حمایت می‌کند (R Butzier, Stuart, M (Stevenson: 2014:300-301).

۲.۲. حقوق نسبت به زمین‌ها

حقوق مردم بومی نسبت به زمین‌ها را از سوی دیگر می‌توان از دو دیدگاه حاکمیت و حق مالکیت بررسی کرد. برخی قانونگذاری‌های ملی حقوق خاصی را برای مردم بومی در قوانین خود قائل شده‌اند. برای مثال در دو دهه گذشته بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، حقوق خاص مردم بومی را در قوانین اساسی خود مورد توجه قرار داده و اصلاحاتی در قانون اساسی‌شان انجام گرفته است. در کانادا و استرالیا نیز دادگاه‌ها حقوق مردم بومی را براساس عنوان "سکنه اولیه و اصلی"^۳ شناسایی کرده‌اند. با این حال شناسایی و حمایت از حقوق مردم بومی با توجه به پیشینه و زمینه‌های ملی هر کشوری متفاوت است. برای مثال، در مورد زمین‌هایی که بومیان اشغال کرده‌اند، بین کشورها و حتی در بخش‌های مختلف یک کشور از نظر قوانین و نحوه برخورد تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در مورد پروژه‌های نفت و گاز ممکن است دولت‌ها در زمینه منابع زیرزمینی حق مالکیت داشته باشند (یا اختیار اداره منابع زیرزمینی)، ولی این مردم بومی‌اند که حق دسترسی و کنترل و اداره زمین‌ها را دارند. البته در موارد نادر ممکن است مردم بومی در زمینه منابع زیرزمینی و خود زمین حق اعمال کنترل و مالکیت داشته باشند و می‌توانند تعیین کنند که پروژه‌های نفت و گاز در کجا و در چه شرایطی انجام گیرند و دارای حدی از حاکمیت‌اند. این در حالی است که در قوانین بعضی کشورها هیچ حقی برای مردم بومی در زمینه زمین‌ها در نظر گرفته نشده است. اگرچه با وجود تمام تفاوت‌ها و اختلافات موجود بین کشورها در پذیرش و به رسمیت شناختن حقوق مردم بومی، امروزه کشورها به اینکه حقوق مردم بومی را وارد قانونگذاری‌های خود کنند، گرایش دارند. این موضوع می‌تواند به چگونگی دسترسی شرکت‌ها به زمین‌ها و قلمروهای مردم بومی در پروژه‌های نفت و گاز تأثیرگذار باشد. این واقعیت متقابلاً در سیاستگذاری‌ها و خط‌مشی‌هایی که کشورها در پذیرش شرکت‌ها و پروژه‌هایشان، دنبال می‌کنند، کاملاً مؤثر است. برای مثال دولت بولیوی به تازگی مقرراتی را در مورد رضایت و مشارکت و پرداخت غرامت به مردم بومی در پروژه‌های

1. The International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination.
2. The UNESCO Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage.
3. Aboriginal title.

نفت و گاز در قلمرو آنان، مقرر کرده است (Indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA: 10). در حقوق ایران، برای هیچ گروه یا جمعیتی در متون قانونی حق هیچ‌گونه حاکمیت مستقل قائل نشده‌اند و در قانون اساسی و قانون نفت ۱۳۹۰ اینک منابع نفتی در اختیار حکومت اسلامی است، ذکر شده است. اصل ۴۵ قانون اساسی زمین‌های موات و رهاشده و کوه‌ها و دره‌ها جنگل‌ها و نیزارها و بیشه‌های طبیعی و مراتعی را که حریم نیست، در حقیقت همه آنچه می‌توان به‌عنوان زمین‌ها و قلمرو بومیان برشمرد، در اختیار حکومت اسلامی می‌داند تا براساس مصالح عامه عمل کند. بدین معنا که قوانین ما هیچ حاکمیتی را برای مردم و گروه‌های دیگر در اجازه به صنعت نفت و گاز برای فعالیت شناسایی نمی‌کند.

اما از دیدگاه حق مالکیت، هر کشوری ممکن است قواعد و قوانین مختص خود را داشته باشد. اگر زمین‌های متعلق به مردم بومی دارای منابع معدنی باشد، اینک هر دولتی چگونه با مالکان زمین‌ها برخورد می‌کند، بسته به سیاست‌های قانونگذاری است که به رویکردهای متفاوتی منجر می‌شود. اگر در ایالات متحده منابع نفتی موجود تابع مالکیت زمینی است که در آن کشف شده و مالک زمین، مالک منابع آن نیز است، در حقوق ما منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و با اینکه دولت مالک آنها نیست، اما این بخش را اداره می‌کند، در نتیجه اگر منابعی در محدوده املاک شخصی باشد، می‌توان گفت در نهایت قیمت آن زمین بدون محاسبه معادن و منابع موجود در آن به افراد پرداخت می‌شود و تا امروز تفاوتی بین افرادی که وابستگی خاصی به زمین‌ها دارند و به‌نوعی بومی محسوب می‌شوند و دیگر افراد قائل نشده‌اند. در نتیجه همان‌طور که از قوانین مذکور برمی‌آید، می‌توان گفت که حقوق مردم بومی نسبت به زمین‌ها و دارایی‌هایی که سنتی و فرهنگی محسوب می‌شوند، در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده و تلاش‌هایی برای حمایت از آنها انجام گرفته است، اما این موضوع در کشور ما اندکی متفاوت است.

مزایا و الزامات صنعت نفت و گاز برای مردم بومی

آنچه امروزه بیش از پیش، در زمینه حقوق مردم بومی در صنعت نفت و گاز مطرح می‌شود، الزاماتی است که صنایع استخراجی در مواجهه با بومیان و زمین‌ها و دارایی‌هایشان، موظف به انجام آنها هستند. مردم بومی با توجه به سابقه و پیشینه تاریخی حقی نسبت به زمین‌ها و دارایی‌ها و اماکن مقدس دارند که به‌وسیله منابع مختلف حقوقی که مشورت با مردم بومی را ملزم می‌دانند یا آن را توصیه می‌کنند، حمایت می‌شود (همان‌طور که مقامات و اسناد رسمی مسئول حفاظت از دارایی‌های فرهنگی و تاریخی‌اند). این منابع شامل قوانین، معاهدات، اعلامیه‌ها و دیگر اسناد قابل اعمال براساس داوطلبانه یا اجباری بودن است. در این بخش،

مشورت و به‌دست آوردن رضایت قبلی و آگاهانه و آزادانه مردم بومی با توجه به وظایف و حقوق صنایع استخراجی بررسی می‌شود.

۱. الزام مشورت و اخذ رضایت قبلی و آزادانه و آگاهانه

مشورت و به‌دست آوردن رضایت آزادانه و آگاهانه، وظیفه‌ای است که هم بر دولت‌ها و هم فعالان غیردولتی محول شده است. تعریف مشورت در ماده ۶ کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار مقرر شده: «مشورت در راستای اجرای این کنوانسیون باید انجام شود، همراه با حسن نیت و به شیوه‌ای مناسب با اوضاع و احوال، با هدف رسیدن به توافق یا رضایت نسبت اقدامات پیشنهادی». شرکت‌ها و مردم بومی اغلب درک متفاوتی از فعالیت‌های کافی و مناسب برای دستیابی به رضایت و مشورت دارند. به‌طور کلی مشورت فرایندی است که در آن دولت‌ها به شکل انفرادی یا در ارتباط با شرکت‌ها در پی استفاده از زمین‌ها هستند و با مردم بومی تحت تأثیر پروژه‌های توسعه‌ای در این زمینه بحث می‌کنند. سازوکار ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق مردم بومی^۱ رضایت قبلی و آزادانه و آگاهانه را وظیفه دولت تعریف می‌کند که به مردم بومی حق می‌دهد تا به شکل مؤثر نتیجه تصمیم‌گیری را مشخص کنند، نه صرف داشتن این حق که در این فرایند مشارکت کنند. مشورت باید از لحاظ فرهنگی مناسب و رضایت شامل شروط مورد توافق باشد. رضایت توافق‌نامه‌ای است که مردم تحت تأثیر پروژه اجازه ادامه آن را می‌دهند. حسن نیت و احترام متقابل اساسی و ضروری است (R Butzier, Stuart, M Stevenson:2014:305-308).

منابع حقوق بین‌الملل به‌دست آوردن رضایت و انجام مشورت را وظیفه دولت‌ها می‌داند. اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق مردم بومی مفهوم مشورت و رضایت را در مواد مختلف مرتبط با حقوق مردم بومی نسبت به زمین‌ها و قلمروها، بررسی می‌کند: مشورت نیازمند ایجاد فرایندی است تا حقوق مردم بومی که به زمین‌ها و قلمروها وابسته‌اند، شامل مالکیت یا در غیر این صورت استفاده و اشغال این زمین‌ها را شناسایی و مقرر گرداند (ماده ۲۷) و ایجاد سازوکاری برای دسترسی و بازگرداندن اشیای آیینی و بقایای انسانی باشد (ماده ۱۲). کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار، مشورت قبل از قانونگذاری یا تصمیمات اداری مؤثر بر مردم بومی (ماده ۱۶(الف)) و قبل از بهره‌برداری از منابع معدنی (ماده ۱۵(ب)) را ملزم می‌داند. کنوانسیون آمریکایی، در ماده ۲۱(۲) محروم کردن افراد از اموال دارایی‌هایشان به‌جز با پرداخت خسارت منصفانه به دلایل خدمات عمومی یا نفع عمومی، و در مواردی که مطابق با قانون باشد، ممنوع کرده است. علاوه بر این میثاق جهانی سازمان ملل^۲، که حدود ۱۰۰۰۰

1. The United Nations Expert Mechanism on the Rights of Indigenous Peoples.
2. The UN Global Compact.

شرکت از آن حمایت کرده‌اند، به‌عنوان چارچوبی برای توسعه اصول خاص قابل اعمال در مورد مردم بومی در برابر شرکت‌ها خدمت می‌کند. اصول ۱ و ۲ میثاق جهانی حقوق بشر را خطاب قرار می‌دهد، درحالی‌که بیان می‌کند: کسب‌وکارها باید حفاظت از حقوق بشری را که به‌صورت بین‌المللی اعلام شده، حمایت کنند و به آنها احترام بگذارند؛ و مطمئن شوند که در نقض حقوق بشر مشارکت نمی‌کنند. برنامه ۲۱، که محصول کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه^۲ در ۱۹۹۲ است، به مردم بومی در زمینه اهداف توسعه پایدار اشاره می‌کند (R Butzier, Stuart, M Stevenson: 2014:320).

بانک‌های بین‌المللی و منطقه‌ای توصیه‌نامه‌هایی منتشر کرده‌اند که مستلزم مشورت و اخذ رضایت آگاهانه و آزادانه است. بانک توسعه آسیایی^۳ توسعه برنامه مردم بومی را برای پروژه‌های که تأثیرات محدود یا گسترده‌ای بر مردم بومی دارند، لازم می‌داند و بیانیه خط‌مشی امنیت^۴ آن، مشورت با معنا و رضایت مردم بومی را، در مورد پروژه‌هایی که بر حقوق مردم بر زمین‌ها تأثیر می‌گذارد، لازم می‌داند. بانک توسعه بین‌آمریکایی^۵ برنامه‌های عملی در مورد مردم بومی و استراتژی خاصی در مورد توسعه بومیان دارد. این برنامه شامل تعهد به تقویت فرایند دولتی مشورت همراه با حسن نیت و در نظر داشتن اصول کلی رضایت آزادانه و آگاهانه است و توسعه یک نظام رسیدگی به شکایات محلی را ملزم می‌داند. بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۶ سیاست‌هایی در مورد مردم بومی دارد و الزامات اجرایی شماره ۷^۷ آن نیاز به احترام به حقوق مردم بومی را توسط پروژه‌های بخش خصوصی مورد اشاره قرار می‌دهد: با ذکر اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق مردم بومی، اخذ رضایت آزادانه و آگاهانه را برای فعالیت‌هایی که شامل پروژه‌های مؤثر بر زمین‌های بومی و سنتی‌اند، لازم می‌داند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز مشورت را برای پروژه‌هایی که بر مردم بومی تأثیر می‌گذارند، ضروری می‌دانند. برنامه اجرایی بانک جهانی، مشورت آزادانه و آگاهانه و پیشین را برای پروژه‌هایی که توسط همین بانک تأمین مالی شده‌اند و بر مردم بومی تأثیرگذارند، الزامی تلقی می‌کند. مجری پروژه‌هایی که بر زمین‌ها و منابع طبیعی تأثیرگذارند، باید ارزش‌های معنوی و فرهنگی‌ای را که مردم بومی برای زمین‌ها قائل‌اند، مدنظر قرار دهند و برنامه جامعی برای مردم بومی و تنظیم اقدامات خود با توجه به تأثیرات آن بر مردم بومی آماده کنند (R Butzier, Stuart, M Stevenson:2014: 320-322).

1. Agenda 21.
2. United Nations Conference on Environment and Development.
3. The Asian Development Bank.
4. Safeguard Policy Statement (SPS).
5. The Inter-American Development Bank.
6. The European Bank for Reconstruction and Development.
7. Performance Requirement 7.

حق مشورت و رضایت آزادانه و آگاهانه، همان‌طور که به حقوق مقرر در کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون آمریکایی و اعلامیه حقوق بشر در مورد حقوق مردم بومی مرتبط است، به تازگی توسط دیوان بین‌المللی حقوق بشر در پرونده کیچیوا، مردم بومی سارا یاکو، علیه اکوادور^۱ تحلیل شده است، پرونده‌ای که اعطای امتیاز توسط دولت به یک شرکت خارجی نفتی را بدون انجام مشورت اولیه یا به‌دست آوردن رضایت مردم بومی که زمین‌های اجدادی آنها در محدوده امتیاز اعطایی بوده است، به چالش می‌کشد. این دادگاه بیان کرد که احترام به حق مشورت مردم بومی و جوامع قبیله‌ای دقیقاً به رسمیت شناختن حقوق آنها نسبت به فرهنگ و هویت فرهنگی‌شان است. مشورتی که با استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، مطابقت دارد، باید شامل مشارکت مؤثر دولت مردم بومی و نمایندگان سرمایه‌گذاران باشد. این موضوع شامل تعهد به مشورت با جوامع مذکور به شیوه‌ای که فعال و مطلع بوده، مطابق با عرفها و آداب و رسومشان، و فرایندی همراه با حسن نیت و از لحاظ فرهنگی مناسب است که به‌صورت پراکنده و در زمان‌های مختلف از سوی مراجع مرتبط بین‌المللی به تصویب رسیده یا ضرورت مشورت با مردم بومی در پروژه‌های نفت و گاز به‌طور کلی در آنها مورد تأکید قرار گرفته است؛ امری که ایجاد انسجام و نظم منطقی بین این اسناد پراکنده را دشوار ساخته و نویسندگان مقاله به‌ناچار به نمونه‌های مهم آن اشاره کرده‌اند تا از قلمرو اصلی موضوع مباحث‌عنه خارج نشوند (R Butzier, Stuart, M Stevenson:2014:313-314).

۲. فرصت‌های صنعت نفت و گاز برای توسعه پایدار

پروژه‌های صنعتی نفت و گاز، معمولاً فرصت‌هایی برای مردم بومی برای مشارکت در صنعت و اقتصاد فراهم می‌کنند و این می‌تواند راهی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی بومیان باشد. این تأثیر متقابلاً در مورد صنعت نفت و گاز هم وجود دارد. البته دامنه و ماهیت آنچه پروژه‌های صنعت نفت و گاز ممکن است برای توسعه جوامع بومی فراهم آورند، با توجه به اندازه و گستردگی پروژه متفاوت است. برای مثال در بعضی موارد، گروه‌های بومی در پی حفظ زمین‌ها و قلمروهای اجدادی و میراث فرهنگی خود هستند و در مواردی دیگر بومیان شرکت در چرخه اقتصادی را اولویت اول خود قرار می‌دهند. در حقیقت ممکن است بومیان حقوق و امتیازهایی را که حقوق بین‌الملل برای آنان قائل شده، در اهداف بلندمدت اقتصادی خود لحاظ کنند. در نتیجه الزام به مشورت و اخذ رضایت برای دولت‌ها یا شرکت‌ها پیش می‌آید که خود می‌تواند هزینه‌های گزافی برای صنعت نفت و گاز داشته باشد و در نتیجه بر قیمت نهایی محصول تولیدی مؤثر است.

1. Kichiwa Indigenous People of Sarayaku v Ecuador.

گروه‌ها و مردم بومی، امروزه به‌طور گسترده‌ای در پروژه‌های صنعتی مشارکت داده می‌شوند به‌کارگیری بومیان می‌تواند به‌صورت مستقیم، مانند کارکنان پروژه یا غیرمستقیم به‌صورت تأمین کالا باشد. مردم بومی ممکن است توسط نماینده خود با پروژه‌ها، قرارداد کار منعقد کنند. در واقع شرکت‌های نفتی گاهی مجبور به استخدام بومیان به‌عنوان الزامی داخلی‌اند و البته اینکه پروژه‌های نفت و گاز در زمین‌های بومیان باشد، برای شرکت‌ها مزیت‌هایی دارد. برای مثال در استرالیا، کانادا و آلاسکا معمول است که بخشی از قراردادهای استخدام و تأمین کالا با بومیان تحت تأثیر پروژه باشد. بدین معنا که قوانین و مقررات کار یا خرید خدمات، سهم خاصی از مشارکت بومیان را مقرر می‌کند که ممکن است برای صنعت خوشایند نباشد (Indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA: 36).

از سوی دیگر، شرکت‌هایی که در زمین‌ها و قلمروهای بومیان پروژه‌های صنعتی خود را اجرا می‌کنند، در بسیاری از مواقع مجبور به پرداخت غرامت‌های مالی (پولی) به بومیان هستند. این غرامت‌ها ممکن است توسط مقررات ملی برخی کشورها مورد حمایت قرار گرفته باشد (بولیوی و استرالیا). این غرامت به معنای جبران خسارت نیست و در مواردی که در قانون مشخص شده، به شکل پیش‌فرض و نوعی الزامات مالی محسوب شده و باید پرداخت شود. این الزامات و ترتیبات مالی می‌تواند به‌صورت متنوع و متفاوتی باشد: ترتیبات مشارکت در سود، مشارکت در درآمد و غرامت، حتی به‌صورت نقدی یا تأمین مالی پروژه‌های خاص برای بومیان. در واقعیت الزامات مالی و ماهیت و تنوع آن بسته به درخواست خود بومیان، زمینه‌های حقوقی، خواسته شرکت در مذاکرات و گستردگی و مقیاس پروژه می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال پروژه‌ای کوچک که تنها به اکتشاف محدود است، ممکن است به جبران تأثیرات پروژه و پرداخت غرامت مالی بپردازد؛ درحالی‌که پروژه‌ای در مقیاس بزرگ‌تر که چندین دهه در حال انجام است، به شکل جامع‌تری به این تکلیف عمل کند و علاوه بر جبران تأثیرات پروژه، ترتیبات مشارکت در سود را هم برای بومیان در نظر بگیرد.

به‌طور کلی شکل و شیوه این پرداخت‌ها نیز متنوع و مختلف است. این پرداخت‌ها ممکن است، پرداخت مبلغ ثابت باشد، به این معنا که در آغاز پروژه پرداختی تحت عنوان مجوز یا تأیید شروع پروژه از سوی بومیان، به این مردم پرداخت می‌شود. پرداخت‌های دیگر برای حق عبور مانند عبور لوله‌های گاز از زمین‌های بومیان و دسترسی یا از دست دادن زمین‌ها به آنان پرداخت می‌گردد. مورد دیگر پرداخت‌های سالانه است که برای توسعه و برنامه‌های مفید برای توسعه جامع بومیان استفاده می‌شود. با توجه به شرایط، این پرداخت‌ها می‌تواند مشارکت در سود پروژه یا برای سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در نظر گرفته شود. در بعضی موارد درصدی از هزینه‌های سرمایه‌ای، مختص پرداخت مبالغی به بومیان است (در استرالیا حدود ۰/۵ تا ۱

درصد). برخی از پرداخت‌ها نیز مربوط به اتفاقات پیش‌بینی نشده‌ای است که در طول پروژه ممکن است اتفاق بیفتد (نوعی ضمانت)، مانند نشت نفت و آلودگی‌های زیست‌محیطی. بعضی پرداخت‌ها بهره مالکانه یا پرداخت براساس تولید یا درآمد نام دارند که به سبب استفاده و بهره‌برداری از زمین‌های بومیان به آنان پرداخت خواهد شد که می‌تواند درصدی از تولید سالانه، درصدی از درآمد سالانه و درصدی از سود سالانه باشد. از آنجا که ممکن است این شیوه پرداخت با نوسانات قیمت نفت یا موفقیت پروژه تغییر یابد، گاهی حداقل میزان و درصدی برای پرداخت تعیین می‌کنند که تضمین شده است. گاهی نیز این پرداخت‌ها به بومیان براساس مالکیت آنان بر زمین‌ها و منابع یا اینکه بومیان به دلیل مشارکت در پروژه سهامدار آن‌اند، صورت می‌گیرد. در این روش پرداخت، بومیان به دلیل سهامدار بودن می‌توانند تا حدی بر پروژه و شرکت کنترل داشته و مستقیماً سهمی از سود داشته باشند. این روش از روش مشارکت در سود یا درآمد، ریسک بیشتری دارد و تضمین شده و چندان رایج نیست و در شرایطی به کار می‌رود که بومیان حقوق خاص و مستحکمی در زمینه زمین‌ها داشته باشند، مانند آنچه در کانادا وجود دارد (Indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA: 37-38).

این ترتیبات در قالب قراردادهایی مذاکره می‌شود تا برای هر دو طرف قرارداد، منصفانه و منطقی باشد.

یکی دیگر از تعهدات شرکت‌های نفتی که آنان را درگیر چالش‌هایی با بومیان می‌کند، تعهد به فراهم کردن زمینه‌های توسعه پایدار برای مردم بومی است. این تعهدات شامل حمایت برنامه‌هایی است که باید از سوی شرکت‌ها انجام گیرد:

- برنامه‌های آموزش و پرورش؛
- برنامه‌های حمایت از معیشت و شغل؛
- حفاظت و ارتقای حمایت از میراث فرهنگی؛
- سلامت و رفاه بومیان؛
- اجرای پروژه‌های زیربنایی محلی.

این تعهدات نیازمند میزانی از سرمایه‌گذاری و تأمین مالی است که بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود؛ سرمایه‌گذاری‌هایی که خود مردم بومی قادر به انجام آن نخواهند بود. در نتیجه اهمیت حمایت شرکت‌ها و در واقع صنعت نفت از این برنامه‌های اجتماعی در توسعه پایدار بومیان مشخص می‌شود. گاهی نیز شرکت‌های نفتی، از طریق اعطای تسهیلات مالی به شرکت‌های محلی یا بومی به توسعه پایدار بومیان کمک می‌کنند (Indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA: 39).

تمامی تعهدات و الزاماتی که از طریق قرارداد یا قوانین و مقررات بر شرکت‌های نفتی و در

حقیقت بر صنعت نفت وارد می‌شود، هزینه‌های این صنعت را افزایش می‌دهد و آنچه مسئولیت اجتماعی نامیده می‌شود، برای صنعت نفت رایگان نخواهد بود. بنابراین صنعت نفت علاوه بر رعایت استانداردهای حقوق بشر، قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی در محل فعالیت خود، می‌بایست در مورد بومیان الزامات و ترتیبات بیشتر و خاص‌تری را به‌موقع اجرا گذارد، در نتیجه دولت‌ها و شرکت‌های نفتی در بسیاری از موارد ممکن است حقوق مردم بومی را مورد غفلت قرار دهند.

معایب صنعت نفت و گاز برای مردم بومی

حقوق مردم بومی و مبانی آن به شکل گسترده با یکدیگر ارتباط دارند و آنچه این حقوق و این مردم را متمایز می‌گرداند، فرهنگ و دارایی‌های فرهنگی است که مردم بومی و حقوق آنها بدان وابسته است. در نتیجه آنچه حمایت و حفاظت از نشان‌های فرهنگی و زمین‌ها نامیده می‌شود، ممکن است برای مردم بومی کاملاً متفاوت باشد، به‌ویژه در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی و شرکت‌هایی که می‌خواهند در قلمرو مردم بومی اقدام به انجام پروژه‌های صنعتی، به‌ویژه نفت و گاز، کنند. اسناد بین‌المللی و قوانینی وجود دارد که حقوقی را برای مردم بومی معین می‌کند، اما در دنیای واقعی، سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های صنعتی مردم بومی را از انجام آداب و رسوم و روش‌های فرهنگی خود بازمی‌دارند. این رویه‌های فرهنگی شامل حفظ، حمایت و توسعه آداب و رسوم و ابراز و اشاعه فرهنگ‌های گذشته، حال و آینده و دربرگیرنده حفظ مکان‌های باستانی و تاریخی، هنرها و صنایع دستی و حتی ادبیات و غیره است. در بیشتر مواقع ایجاد تعادل بین حفظ مکان‌های تاریخی و فرهنگی و انجام پروژه‌ها بسیار مشکل است و نشانه‌گذاری مکان‌های باستانی یا مقدس در پروژه‌ها، چندان کارگشا نیست. در حقیقت ورود سرمایه‌ها یا شرکت‌ها برای انجام پروژه‌های صنعتی، می‌تواند تهدیدی برای عناصر فرهنگی و تمامی آن چیزی باشد که مردم بومی را متمایز می‌سازد و به آنان فرهنگ و هویت می‌بخشد. علاوه بر این می‌تواند موجب نابودی محیط زیست و گیاهان دارویی و پزشکی سنتی مردم بومی می‌شود که در اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق مردم بومی^۱ حمایت شده است (ماده ۲۴). مضاف بر اینکه بیشتر پرونده‌هایی که در سرمایه‌گذاری‌های خارجی مطرح می‌شود و مرتبط با زمین‌های اجدادی مردم بومی است، مرتبط با بخش انرژی است که با استخراج و بهره‌برداری، در پی تولید انرژی هستند. بدین معنا که همواره حقوق بومیان در تعارض با منافع اقتصادی سرمایه‌گذاران و به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی با قدرت و نفوذ اقتصادی قرار می‌گیرد و احتمالاً در بیشتر موارد نادیده انگاشته می‌شود. دولت‌ها می‌خواهند قراردادهای و توافقات با سرمایه‌گذاران را محترم بشمرند و این قراردادهای را به‌دلیل منافع اقتصادی‌شان یکپارچه نگه‌دارند (Brabandere, Eric De, Gazzini, Tarcisio : 2014: 200-201). در پرونده مردم بومی نیجریه

1. United Nation Declaration on the Rights of Indigenous Peoples (UNDRIP).

(قبیله اوگونی)^۱ در سال ۲۰۰۱، کمیسیون آفریقایی حقوق مردم و بشر با پرونده‌ای در مورد فعالیت‌های بهره‌برداری نفت که توسط شرکت‌های نفتی دولتی، با دخالت مستقیم دولت که در زمین‌های اجدادی قبیله اوگونی، انجام می‌گرفت، روبه‌رو بود. در این دعوی فعالیت‌های استخراج و بهره‌برداری نفتی موجب تخریب محیط زیست به‌علت تجمع فاضلاب‌های سمی در محیط زیست و آبراهه‌ها و در نتیجه بروز مشکلات متعددی برای مردم بومی این منطقه شد؛ مشکلاتی مانند عفونت‌های پوستی، بیماری‌های گوارشی و تنفسی و افزایش احتمال ابتلا به سرطان و مشکلات عصبی و باروری. کمیسیون بر پایه این فرض که حقوق جمعی مانند حقوق فردی، از عناصر تشکیل‌دهنده حقوق بشر در آفریقا هستند، به نقض حق استفاده مناسب از محیط زیست که در ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ذکر شده توسط دولت پی برد که در این ماده دولت ملزم است اقدامات متناسب و معقول جهت جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست، ارتقای حفاظت از محیط زیست، تضمین توسعه پایدار از لحاظ زیست‌محیطی و بهره‌برداری از منابع طبیعی را انجام دهد. علاوه بر این، این کمیسیون با توجه به ماده ۲۱ منشور، ماده ۱۴ (که به حق مالکیت اشاره دارد و با توجه به اینکه قبیله اوگونی با اجبار از زمین‌هایشان بیرون رانده شده بودند و حق مسکن که نقض شده بود) و با توجه به حق حیات که در ماده ۴ منشور ذکر شده است، رأی خود را این اعلام کرد:

آلودگی و تخریب محیط زیست تا جایی که از جهت انسانی غیر قابل قبول است، زندگی در زمین‌ها و مزرعه‌ها را برای قبیله اوگونی یک کابوس ساخته است... نجات و بقای قبیله اوگونی بسته به زمین‌هایی است که نابود شده... نقض حقوقی که توسط دولت نیجریه انجام شده است نه تنها افراد قبیله اوگونی بلکه کل جامعه این قبیله را تحت تأثیر قرار داده است.

در نتیجه کمیسیون تأکید کرد که دولت باید جبران خسارت کافی برای قربانیان را در نظر بگیرد که شامل امداد و اسکان مجدد بومیان در زمین‌هایشان و پاکسازی گسترده زمین‌ها و آب‌های آلوده به دلیل فعالیت‌های نفتی، می‌شد (Lenzerini, Federico: 2008:90).^۲

نتیجه‌گیری

بی‌شک امروزه، حقوق مردمان بومی نسبت به زمین‌ها و دارایی‌های سنتی و فرهنگی در حقوق بین‌الملل و بسیاری از نظام‌های داخلی به رسمیت شناخته شده است. اما اینکه شناسایی این

1. Nigerian indigenous Ogoni People.

۲. بی‌شک در مورد هر کدام از عناوین مربوط به این مقاله رویه قضایی و تصمیمات مهمی ممکن است وجود داشته باشد که حسب مورد به برخی از آنها اشاره می‌شود، اما از آنجا که بررسی مقررات حاکم بر صلاحیت محاکم اعم از داخلی و بین‌المللی از قواعد شکلی بوده و تبعاً از قلمرو این پژوهش خروج موضوع دارد، به‌ناچار عناوین مقاله را صرفاً بر مباحث ماهوی متمرکز ساخته‌ایم.

حقوق تا چه حد، موجب تضمین آنها به‌ویژه در مواجهه با صنعت نفت و گاز می‌شود، چندان مشخص نیست. افزایش تقاضای جهانی برای نفت و گاز، به گسترش انجام فعالیت‌های نفتی در سراسر جهان منجر شده است و مردم بومی نیز از این مسئله مستثنا نیستند و صنعت نفت و گاز نیز مانند هر پدیده دیگری می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر مردم بومی و حقوق آنان داشته باشد. از طرفی در بسیاری از اسناد بین‌المللی این حقوق شناسایی شده‌اند، اما ضمانت اجرای مناسبی ندارند و اجبار کردن دولت‌ها به رعایت این حقوق کار ساده‌ای نیست. اگرچه در صنعت، رویه‌ها و استانداردهای صنعتی که فعالان اقتصادی برای بهبود فعالیت خود آنها را مورد توجه قرار می‌دهند، می‌توانند نقش مهمی در حفظ و حمایت از این حقوق ایفا کنند، در عمل ممکن است به دلیل هزینه‌های گزافی که به پروژه‌ها تحمیل می‌شود، از بسیاری موارد، مانند مشورت با مردم بومی صرف‌نظر کنند. بنابراین شاید چرخه صنعت و اقتصاد بتواند بر حقوق چنین مردمانی سایه بیفکند. در واقع الزام به اخذ رضایت و مشورت با بومیانی که زمین‌های خود را به دست صنایع استخراجی می‌سپارند، راهی است برای کاستن از مشکلات بومیانی که ارتباطی قوی با میراث فرهنگی خود دارند و در صورتی که زمین‌ها و دارایی‌هایشان در فرایند اکتشافات یا استخراج‌ها از بین برود، چاره‌ای جز توسل به راه‌های جبران خسارت نخواهند داشت که معمولاً آنها را در وضعیت پیشین قرار نخواهد داد. باید توجه داشت که الزامات قانونی تحمیل شده بر دولت‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در به‌دست آوردن رضایت و مشورت با مردم بومی، باید در بطن مفهوم حقوق اساسی مردم بومی تحت تأثیر صنعت بررسی شود. در واقع، ورود صنعت به محدوده بومیان این حق را برای مردم بومی که تا قبل از آن محلی برای توجه نداشت، پیش می‌آورد. علاوه بر این ناتوانی دولت‌ها و شرکت‌ها در احترام به حقوق مردم بومی در دسترسی و حفاظت و استفاده این مردم از زمین‌ها و دارایی‌های سنتی و فرهنگی، به مسئولیت‌های قانونی یا قراردادی، دادخواهی‌های طولانی، باطل شدن امتیازها و مجوزها و لطمه به حسن شهرت شرکت‌ها منجر خواهد شد. مشورت با بومیان و اخذ رضایت آنان، در هر سطحی که توسط شرکت‌ها یا دولت‌ها انجام گیرد، احتمال چنین مشکلاتی را در بدبینانه‌ترین حالت، کاهش می‌دهد.

در نهایت باید گفت در دهه‌های اخیر سطح آگاهی‌های ملی و بین‌المللی در زمینه مردم بومی، سبک زندگی، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها نسبت به گذشته افزایش یافته است. با این حال حقوق مردم بومی در برابر صنعت گسترده‌ای همچون صنعت نفت و گاز، هنوز بسیار شکننده به نظر می‌رسد، زیرا هنوز هم دولت‌هایی هستند که در بهترین حالت، مردم بومی و حقوق آنان را مورد غفلت و بی‌توجهی قرار می‌دهند.

منابع

۱. فارسی

۱. حبیب‌نژاد، احمد؛ اسمعیلی‌زاده، عالیہ (۱۳۹۵). حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در نظام جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: مجد.
۲. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). حقوق نفت و گاز، تهران: میزان
۳. عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای)، تهران: دادگستر.
۴. لاجوردی، سید عرفان (۱۳۹۳). حقوق شرکت‌های فراملی، تهران: میزان.

۲. انگلیسی

A) Books

5. Anaya, S. J. (2012). *Reparations for Indigenous Peoples: International and Comparative Perspectives*, In Oxford University Press.
6. Brabandere, Eric De, Gazzini, Tarcisio (2014). *Foreign Investment in the Energy Sector Balancing Private and Public Interests, USA*
7. Lenzerini, Federico. *Reparations for indigenous peoples: international and comparative perspectives*. Oxford -University Press

B) Articles

8. Anaya, .. Jame.. (2008). Reparations for Neglect of Indigenous Land Rights at the Intersection of Domestic and International Law° The Maya Cases in the Supreme Court of Belize”, *Reparations for Indigenous Peoples: International and Comparative Perspectives* 567-603.
9. Anderson, R. B., Dana, L. P., & Dana, T. E. (2006). Indigenous land rights, entrepreneurship, and economic development in Canada pp ting-in to the global economy,, *Journal of world business*, 41(1), 45-55.
10. Butzierz Stuart R., and Sarah M. Stevenson (2014). Indigenous Peoples Rights to sacred sites and traditional cultural properties and the role of consultation and free, prior and informed consent *Journal of Energy & Natural Resources Law*, 32.3 297-334.
11. Indigenous Peoples and the oil and gas industry Context, issues and emerging good practice, IPIECA(2012).
12. Lenzerini, Federico (2008). The trail of broken dreams: The status of indigenous peoples in international law”””” *Reparations for Indigenous Peoples: International and comparative perspectives*, 73-116.
13. Lenzerini, F.(2008). Conclusive Note:: fef ining Best Practices and Strategies for Maximizing the Concrete Chances of Reparation for Injuries Suffered by Indigenous Peop,e,, *Reparations for Indigenous Peoples. International and*

Comparative Perspectives, 605-622.

14. MacKay, F. (2004). Indigenous peoples' rights to free, prior and informed consent and the World Bank's Extractive Industries Review,, *Sustainable Dev. L. & Pol'y*, 4, 43.
15. ssh erenko, .. (2000). Indigenous rights in Russia: is title to land essential lor cultural surviva,, *Geo. Int'l Envtl. L. Rev.*, 13, 695.
16. Shelton, Dinah, (2008). *Reparations for Indigenous Peoples : The Present Value of Past Wrongs*,, Reparations for indigenous peop:e:: international and comparative perspectives. Oxford -University Press, 47-72
17. Spence, David B. (2011). Corporate social repponsibility in the oil and gas industry: The importance of reputational risk,, *Chi.-Kent L. Rev.* 86
18. *Trócaire Business and Human Rights Advocacy Manual 2010*
19. Vrdojjak, Ana Filipa (2008). *Reparations for cultural loss*
20. kak ovleva, .. (2011). lil pipeline construction in Eastern biberia: Implications for indigenous peop,e,, *Geoforum*, 42(6), 708-719

C) Websites

21. www.business-humanrights.org

